



بررسی فدرالیسم در عراق از لحاظ سطح تحلیل منطقه ای

دکتر جهانبخش مرادی*

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۶/۴ و تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۸/۳۰)

چکیده

دگردیسی نظام سیاسی عراق به یک نظام «فدرال و دموکراتیک» به یک مسأله چالش برانگیز در منطقه خاورمیانه به خصوص در بین کشورهای دارای اقلیت کرد و کشورهای عربی تبدیل شده و باعث ایجاد بازتاب ها و واکنش هایی در بین این کشورها نسبت به فدرالیسم و نوع حکومت آینده عراق گردیده است. از نظر کشورهای دارای اقلیت کرد یعنی ترکیه، ایران و سوریه، این نوع نظام سیاسی ممکن است که از یک سو باعث ایجاد مطالبات جدید در بین اقلیت های کرد در داخل این کشورها گردد و از سوی دیگر، در صورت عملیاتی شدن و تحقق کامل فدرالیسم در عراق، با همراهی بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای مثل اسرائیل و آمریکا، زمینه برای شکل گیری دولت مستقل کرد و سپس ایجاد کردستان آزاد و واحد فراهم شود که این مسأله می تواند تأثیرات عدیده امنیتی را در این کشورها ایجاد کند.

کشورهای عربی نیز از تغییر و تحولات نظام سیاسی عراق نگران هستند و نسبت به پیامد این تحولات بر کشورهای خود حساس هستند. به این معنا که از یک سو نگران این هستند که فدرالیسم به خصوص در شمال عراق با افزایش خواسته ها و قدرت کردها، زمینه را برای تضعیف هویت عربی عراق

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، گروه علوم سیاسی، ایلام، ایران.

و تجزیه این کشور فراهم کند. همچنین آنها نسبت به در حاشیه قرار گرفتن اعراب سنی و افزایش قدرت ایران در عراق نگران هستند. از سوی دیگر، از آنجایی که بسیاری از کشورهای عربی به شیوه ای غیر دموکراتیک اداره می شوند، معتقد هستند که هدف آمریکا تشکیل الگویی الهام بخش بوده تا بر اساس طرح کلان خاورمیانه ای، نظام های سیاسی منطقه دموکراتیک شوند.

کلید واژگان

دگردیسی نظام سیاسی، نظام فدرال و دموکراتیک، فدرالیسم، کشورهای دارای اقلیت کرد، کشورهای عربی، دولت مستقل کرد، طرح خاورمیانه بزرگ، تضعیف هویت عربی، تجزیه عراق.

مقدمه

با انتخاب فدرالیسم به عنوان شکل نظام سیاسی آینده عراق چه بر اساس اجلاس های اپوزیسیون صدام^۱ و چه بر اساس «اعلامیه شورای حکومت موقت عراق»^۲ و تصریح قانون اساسی موقت و دائم عراق در این مورد، واکنش های منطقه ای نسبت به انتخاب این شکل از حکومت و تحولات متعاقب آن، آغاز شد. در این زمینه کشورهای ایران، ترکیه و سوریه که دارای اقلیت کرد در چارچوب سرزمینی خود هستند، نگران این مسأله می باشند که فدرالیسم از یک سو ممکن است باعث افزایش مطالبات اقلیت های کرد آنها شود و از سوی دیگر، علاوه بر نگرانی های متفاوتی که هر یک از آنها دارد، همگی نگران این مسأله هستند که همراهی بازیگران منطقه ای و فرا منطقه ای یعنی اسرائیل و آمریکا با کردهای عراق و تقویت احتمال تشکیل دولت مستقل کرد تبعات امنیتی بیشتری را متوجه آنها سازد. کشورهای عربی نیز نگران این مسأله هستند که فدرالیسم با افزایش قدرت کردها زمینه را برای تضعیف هویت عربی عراق و تجزیه آن فراهم کرده و در ضمن اعراب سنی عراق را نیز در حاشیه قرار دهد. همچنین از آنجایی که اکثر کشورهای عربی با روش های غیر دموکراتیک هدایت می شوند، نگران تأثیرات دومینویی تحولات عراق در کشورهای خود هستند. در این میان تنها اسرائیل که نه دارای اقلیت

^۱ - The Meetings of Saddam Opposition

^۲ - The Declaration of the Interim of Iraq Governing Council

کرد است و نه کشوری عربی است، ارزیابی مثبتی نسبت به فدرالیسم و حتی تجزیه عراق دارد و البته این تحولات منافع زیادی برای آنها نیز به همراه دارد.

بر این اساس، این مقاله به دنبال پاسخ گویی به این سؤال اصلی است که فدرالیسم در عراق چه آثار، عوارض و واکنش هایی در سطح منطقه داشته است. پاسخ موقت به این سؤال به عنوان فرضیه این مقاله آن است که شکل گیری نظام فدرالیسم و تحولات متعاقب آن در عراق به جهت این که دارای پیامدهای امنیتی منفی برای سایر کشورهای منطقه است، با آن مخالف هستند و نسبت به آن واکنش و جهت گیری منفی نشان داده اند.

برای آزمون فرضیه مباحث را در چهار گفتار ارائه می کنیم. در گفتار اول چهارچوب های مفهومی و نظری را بیان می کنیم، در گفتار دوم به مواضع کشورهای عربی می پردازیم و در این راستا به مواضع سه کشور مهم در این زمینه یعنی عربستان، مصر و سوریه می پردازیم و در گفتار سوم به مواضع و واکنش های ایران و ترکیه که دارای اقلیت کرد هستند، می پردازیم. البته سوریه نیز دارای اقلیت کرد است، اما به خاطر عرب بودن و تشابه دیدگاه هایش با کشورهای عربی، در قسمت کشورهای عربی راجع به آن بحث شده است. در نهایت هم به دیدگاه های اسرائیل که نه کشوری عربی و نه دارای اقلیت کرد است، می پردازیم.

۱. چارچوب های مفهومی و نظری

الف. فدرالیسم^۱

تعاریف در خصوص فدرالیسم فراوان هستند، اما عده ای آن را به مثابه شکلی از حکومت که وحدت را در عین تنوع حفظ می کند،^(۱) تعریف می کنند. در همین راستا، گراهام اسمیت^۲ معتقد است که فدرالیسم به عنوان شکلی از پلورالیسم جغرافیایی، در حال جلب توجه کشورهای است که در صدد حفظ وحدت دولت در جوامع چند قومی هستند.^(۲) مورای فورسیث^۳ نیز معتقد است، مردمی که از لحاظ زبان،

^۱ - Federalism

^۲ - Graham Smith

^۳ - Murray Forsyth

نژاد و فرهنگ مختلف هستند، می توانند مزایای عضویت در یک فدراسیون را احساس کنند. (۳) به عنوان یک روش حکومتی گفته می شود که فدرالیسم عبارت است از تقسیم قدرت و واگذاری قسمتی از آن به سرزمین های خودمختار که هر کدام از آنها به طور منظم و مستمر در نهادها و تصمیمات دولت مرکزی مشارکت دارند. (۴) با توجه به این که عراق، کشوری چند قومی و چند مذهبی است و به جهت تقسیم عادلانه قدرت که در گذشته تاریخی خود از آن بی بهره بوده است، فدرالیسم را به عنوان شکل حکومتی خود انتخاب کرده است. اما نگرانی کشورهای منطقه این است که فدرالیسم عراق با توجه به مسائل خاص آن تأثیرات عدیده ای را در آنها بر جای گذارد که در این مقاله نیر این تأثیرات بر کشورهای منطقه مورد مذاقه و کنکاش قرار می گیرد.

ب. راهبرد کلان خاورمیانه ای آمریکا

اگرچه اوپاما شعار تغییر را به عنوان یکی از شعارهای اصلی خود مطرح کرد و از ضرورت برخی تغییرات در سیاست خارجی سخن به میان می آورد، اما در چارچوب «راهبرد امنیت ملی آمریکا» که اهداف و استراتژی های آمریکا را در قرن جدید ترسیم می نماید، شاهد نوعی تداوم در سیاست های راهبردی آمریکا هستیم. به این معنا که با به قدرت رسیدن دموکرات ها، این چارچوب کلان تغییر نکرده است و همگان اذعان دارند که راهبردهای کلان، هدف مشترک و بنیادین و دراز مدت هر دو حزب است. (۵) بر این اساس، می توان گفت برنامه آمریکا برای گسترش دموکراسی در منطقه، همچنان تداوم دارد که بر اساس آن آمریکا با حمله به عراق و سرنگونی صدام، خواهان آن بوده است که عراق به نمونه و مدل موفق دموکراسی و سرمایه داری در منطقه تبدیل شود. در واقع، آمریکا به این مسأله واقف است که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای عربی غیر دموکراتیک هستند و اگر به حال خود رها شوند، دیری نمی گذرد که قدرت را به اسلام گرایان رادیکال واگذار می کنند. بنابراین، طرح آمریکا جایگزینی نیروهای جدید به جای نیروهای سنتی در جهان عرب است. (۶)

از آنجایی که به گفته پل ولفویترز در ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب حتی یک دموکراسی وجود ندارد، (۷) بنابراین، طبیعی است که کشورهای عربی نگران اثرات دومینویی شکل گیری دموکراسی و فدرالیسم در کشورهای خود باشند و در مقابل آن واکنش نشان دهند.

۲. مواضع و جهت گیری های کشورهای عربی نسبت به تحقق فدرالیسم و دموکراسی در عراق

همان طور که در قسمت چارچوب های مفهومی گفته شد، آمریکا در چارچوب طرح کلان خاورمیانه ای خود در صدد تبدیل عراق به یک مدل موفق دموکراسی و تسری آن به سایر کشورهای منطقه است. به همین جهت و با توجه به نگرانی های برخاسته از این طرح، کشورهای عرب منطقه قبل و بعد از حمله آمریکا به عراق اجلاس هایی را برگزار کردند. یکی از مسائلی که در نشست های مختلف کشورهای همسایه عراق مطرح شده است، حفظ استقلال و تمامیت ارضی عراق و مخالفت با تجزیه این کشور است. بر این اساس، کشورهای عربی از عملیاتی شدن فدرالیسم در عراق هراس دارند و با این بهانه که فدرالیسم خط تجزیه عراق را دنبال می کند، با آن مخالفت می کنند، چرا که مسأله تحقق فدرالیسم و تثبیت آن در عراق، امنیت کشورهای عربی و به خصوص سوریه، مصر و عربستان را تحت تأثیر قرار می دهد و ممکن است اقلیت کرد در سوریه، اقلیت شیعه در عربستان سعودی و اقلیت قبطی در مصر نیز خواستار فدرالیسم گردند. (۸) با توجه به این که این سه کشور در مقایسه با سایر کشورهای عربی نسبت به شکل گیری و تحقق فدرالیسم در عراق، بیشتر از خود واکنش نشان داده اند، سعی کرده ایم که به تفکیک دیدگاه ها و جهت گیری های این سه کشور را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهیم.

الف. مصر

حسنى مبارك، رئيس جمهور سابق مصر در فوریه ۲۰۰۴ از ترکیه دیدار کرد. هدف از سفر وی اتخاذ مواضع یکسان با ترکیه در ارتباط با شکل گیری نظام فدرال در عراق بود. در این دیدار این دو کشور از برقراری نظام فدرالی در عراق ابراز نگرانی کردند. اسامه البارز، مشاور سیاسی وقت حسنى مبارك نیز گفت که تجزیه عراق به هیچ وجه قابل قبول نیست و این مسأله می تواند ویروس جدایی طلبی را به کشورهای عربی همسایه عراق صادر کند. حرکت های جدایی طلبانه به فروپاشی نظام های منطقه و بر هم خوردن توازن در جهان عرب منجر خواهد شد. (۹) تحولات انقلابی مصر و سقوط حسنى مبارك نشان می دهند که نگرانی مقامات مصری بی دلیل نبوده است.

ب. عربستان

عربستان به عنوان یک کشور عرب سنی، از یک طرف با قدرت یافتن شیعیان که اکثر جمعیت عراق را تشکیل می دهند، مخالف است و از طرف دیگر با فدرالیسم و تشکیل دولت مستقل کرد مخالف است و نسبت به تجزیه عراق به عنوان یک سرزمین عربی حساس است.

در این راستا، احیای فرهنگ شیعی در عراق و قدرت یافتن شیعیان، نه تنها بر تحولات سیاسی آینده عراق، بلکه بر تحولات فرقه ای آینده در خاورمیانه بزرگ نیز پیامدهای گسترده ای خواهد داشت و موازنه قدرت به نفع شیعیان تغییر خواهد کرد. مبارزین سنی، این مسأله یعنی احیای شیعی در عراق را در چارچوب مقاصد شوم ایالات متحده نسبت به اسلام پس از حوادث ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ می نگرند. از نظر آنها، این مسأله توطئه ای بزرگ برای تضعیف و نابودی دین به شمار می رود. مایکل اسکات دوران^۱ معتقد است که علمای سنی در عربستان سعودی در معرفی اعمال و عقاید شیعیان به عنوان بدعت در دین همواره فتوا صادر کرده یا خطبه می خوانند، اما هم اکنون نکوهش شیعی را با گرایش ضد آمریکایی گره زده اند. (۱۰) از سوی دیگر، از آنجایی که احیای شیعی در عراق باعث تغییر موازنه قدرت بین سنی ها و شیعیان شده و هم باعث شعله ور شدن آتش احقاق حق شیعیان می شود و هم باعث افزایش یأس و ناامیدی و رکود فعالیت های سنی ها می گردد، ممکن است به تغییر رژیم های سیاسی دیگری در منطقه منجر شود. (۱۱)

به همین جهت، عربستان سعودی از قدرت یافتن شیعیان در عراق نگران است و آن را تهدیدی برای خود می داند، چرا که این مسأله باعث خواهد شد که اقلیت شیعه در عربستان - که در شمال شرقی این کشور ساکن هستند - تحریک شده و به مبارزه و مخالفت با این کشور پادشاهی برخیزند. (۱۲) از سوی دیگر، آنها معتقدند که قدرت یابی شیعیان در عراق می تواند باعث افزایش نقش و نفوذ ایران و تقویت ژئوپولیتیک شیعه در منطقه گردد.

عربستان با مسأله فدرالیسم و خودمختاری کردها در عراق نیز مخالف است، زیرا معتقد است که پذیرش فدرالیسم به خصوص در منطقه کردستان و قبول زبان کردی به عنوان زبان دوم عراق، هویت عربی عراق را خدشه دار می کند. بنابراین، عربستان سعودی به این جهت با فدرالیسم در عراق مخالف

¹ - Michael Scott Doran

است که از یک طرف باعث تغییر مبانی قدرت در عراق و انتقال آن از اعراب سنی به کردها و شیعیان می شود و از طرف دیگر، باعث تشکیل حکومت کرد در شمال و حکومت شیعه در جنوب عراق می شود. در این زمینه، وضعیت مطلوب عربستان سعودی شکل گیری یک دولت میانه رو سنی در بغداد است که با این کشور دشمنی نداشته باشد، منافع ملی آنها را به خطر نیندازد و به رقیبی برای عربستان در منطقه بدل نگردد.

پ. سوریه

سوریه به عنوان کشوری که از یک طرف، هم عرب است و هم دارای اقلیت کرد است و از طرف دیگر، نگران طرح کلان آمریکا برای خاورمیانه است، نگرانی های خاص خود را دارد. اولین نگرانی سوریه این است که با موافقت آمریکا در عراق در جهت برقراری دموکراسی، بعد از عراق نوبت به سوریه رسیده و سوریه کشور بعدی باشد که تغییرات در آن روی دهد و در چارچوب طرح کلان خاورمیانه ای آمریکا، سناریوی دموکراسی سازی^۱ در آن به اجرا درآید. به همین جهت مقامات سوری، حمله آمریکا به عراق را به شدت محکوم کردند و سناریو آمریکا را نه فقط بر ضد سوریه بلکه ضد تمام منطقه می دانند. (۱۳) نگرانی دیگر سوریه مربوط به تحقق کامل فدرالیسم در عراق است، زیرا این مسأله از یک سو باعث می شود که حضور و نفوذ اسرائیل در منطقه افزایش یابد - که این مسأله با در نظر گرفتن سابقه مناسبات بارزانی ها با اسرائیل و توان تأثیر گذاری آنها بر کردستان سوریه کاملاً موجه است - و از سوی دیگر، باعث تقویت کردهای سوریه و تلاش آنها برای پی گیری مطالبات تاریخی شان می شود. در این راستا، وقوع ناآرامی های خونین و کم سابقه - در شهر کردنشین قامشلی در ۱۲ مارس ۲۰۰۴ در یک استادیوم ورزشی - میان مردم و نیروهای امنیتی و تداوم ناآرامی ها و حمایت کردهای عراقی به ویژه بارزانی ها از هم تباران سوری خود بر نگرانی های دمشق افزود. (۱۴) در حال حاضر نیز تحولاتی که از ابتدای سال جاری میلادی شروع شده است، تأثیر بیش از پیش تحولات عراق و طرح های آمریکا را بر کشورهای عرب و به خصوص سوریه نشان می دهد. بر این اساس، در نتیجه اعتراضات و تحولات در سوریه، جهان غرب به طور یکصدا خواستار کناره گیری بشار اسد از قدرت شده

^۱ - Democratization

است و مقامات بلند پایه کشورهای آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا و همچنین باقی کشورهای اتحادیه اروپا همه در این مورد با هم متفق القول هستند. (۱۵)

رقابت سنتی بغداد و دمشق برای کسب جایگاه رهبری جهان عرب باعث شده بود که این دو کشور علی رغم خاستگاه مشترک بعثی به سیاست هایی از جمله حمایت از نیروهای اپوزیسیون رقیب مبادرت نمایند. اما با وجود حمایت از اپوزیسیون کرد عراقی، سوری ها با تجزیه عراق و قدرت یابی کردها مخالف هستند (۱۶) و از ناحیه مانورهای سیاسی کردها برای تحقق آرمانهای تاریخی خود احساس خطر می نمایند. بنابراین، سوریه با مسأله فدرالیسم در عراق به شدت مخالف است و این مسأله باعث شده است که بشار اسد سفرهایی به آنکارا انجام دهد. در این سفرها، دو کشور تحقق فدرالیسم در عراق را مقدمه تقویت هویت سیاسی کردهای عراق و در مرحله بعد تشکیل دولت مستقل کرد^۱ قلمداد کرده اند. (۱۷) بشار اسد معتقد است که سوریه کردهایی را در کشور پذیرفته است که سلاح خود را کنار گذاشته اند و تمایل دارند که وارد روند سیاسی شوند. ضمناً وی معتقد است که در عراق نباید فدرالیسم شکل بگیرد و اگر فدرالیسم هم شکل بگیرد نباید بر اساس اصول نژادی یا مذهبی باشد. (۱۸)

نگرانی دیگر سوری ها مربوط به تحقق فدرالیسم در عراق این است که این مسأله زمینه را برای تشکیل دولت مستقل کرد و تجزیه عراق فراهم کند، چرا که از یک سو یک کشور عربی و همسایه آنها دچار تجزیه می شود و توازن در منطقه، به احتمال قوی به نفع کشورهای رقیب مثل ترکیه و اسرائیل به هم می خورد و نفوذ این کشورها در شمال عراق و بخش های دیگر مایه نگرانی آنهاست و از طرف دیگر، تشکیل یک دولت شیعه مذهب در جنوب عراق در جوار مرزهای آنها و کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس باعث ایجاد نوعی دلهره و نگرانی بین سوری ها گردیده است. (۱۹) وضعیت مطلوب کشور سوریه در عراق، شکل گیری یک حکومت عرب محور، متمرکز و یکپارچه است.

در مجموع، نگرانی های کشورهای عربی نسبت به تحولات عراق و تحقق فدرالیسم در این کشور را می توان در قالب محورهای زیر خلاصه کرد:

اولاً؛ با توجه به اینکه کشورهای عربی دارای ساختارهای غیر دموکراتیک می باشند، حمله آمریکا به عراق را در چارچوب طرح کلان آمریکا برای خاورمیانه می نگرند و بنابراین نگران تبعات امنیتی

^۱ - An Independent Kurdish State

شکل گیری دموکراسی و نظام پارلمانی در عراق برای کشورهای خود هستند. ثانیاً؛ نظام فدرالیستی در عراق را قبول ندارند و معتقد هستند که این نظام باعث تجزیه عراق می شود.

ثالثاً؛ قدرت یابی کردها در عراق را نشانه تضعیف هویت عربی عراق می دانند و نسبت به آن معاندت می ورزند.

رابعاً؛ از آنجایی که شیعیان بیش از پنجاه درصد جمعیت عراق را تشکیل می دهند، معتقد هستند در صورت تحقق کامل فدرالیسم و قدرت گرفتن شیعیان، از یک سو اهل سنت در عراق در حاشیه قرار می گیرند و از سوی دیگر، با شکل گیری هلال شیعی در خاورمیانه، منافع و ملاحظات استراتژیکی و امنیتی ایران تأمین می شود و نفوذ ایران در عراق نیز افزایش می یابد.

۳. مواضع و واکنش های کشورهای دارای اقلیت کرد نسبت به شکل گیری و تحقق فدرالیسم در عراق

در این گفتار سعی داریم که به مواضع و عکس العمل های کشورهای دارای اقلیت کرد یعنی ایران، ترکیه و سوریه بپردازیم. ذکر این نکته لازم است که سوریه هم دارای اقلیت کرد است و هم کشوری عربی است، اما از آنجایی که بیشتر جهت گیری مشابه کشورهای عربی دارد، در قسمت کشورهای عربی بحث و بررسی شد. بنابراین، در این گفتار به دیدگاه های ایران و ترکیه خواهیم پرداخت.

الف. ایران

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از کشورهای همسایه عراق که دارای طولانی ترین مرز مشترک با این کشور بوده و دارای اقلیت کرد در چارچوب مرزهای غربی خود می باشد، نسبت به آینده عراق و شکل گیری و تحقق فدرالیسم در این کشور و تحولات متعاقب آن نگران است. نگرانی های ایران را می توان در چارچوب موارد زیر بیان کرد:

(۱) اولین نگرانی ایران در مورد تشکیل کردستان فدرال در شمال عراق، مربوط به ایجاد مطالبات جدید در بین کردهای ایران است. بر این اساس، کردهای عراق در طول حیات دولت خودمختار منطقه

ای کردستان و همچنین در دوران بعد از حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳؛ در حوزه های فرهنگی- اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی- امنیتی به پیشرفت های قابل توجهی دست یافته اند،(۲۰) که این مسأله می تواند مطالبات قومی مناطق کردنشین ایران را افزایش دهد و باعث شکل گیری مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در بین آنها شود. البته در مورد مطالبات سیاسی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاه اول متعلق به گروه های سیاسی مخالف نظام است که محور اصلی آن مبارزه با نظام جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظام لیبرالیستی در اداره مناطق کردنشین در قالب نظام فدرالیسم است و دیدگاه دوم به نخبگان سیاسی درون حکومت مربوط می شود که سعی دارند با حضور و مشارکت در عرصه سیاسی و مدیریت کلان کشور در راستای قانون اساسی حرکت می کنند و مطالبات خود را در قالب اصول اجرا نشده قانون اساسی پی گیری می کنند. محور مطالبات اقتصادی، وجود نابرابری در شاخص های توسعه در مناطق قوم نشین و مرکزی کشور است و محور مطالبات فرهنگی نیز در توجه به گسترش زبان و ادبیات کردی و مطبوعات است.(۲۱)

۲) دومین نگرانی ایران مربوط به شکل گیری دولت مستقل کرد در شمال عراق است. بر این اساس، فدرالیسم ممکن است زمینه را برای تجزیه عراق و تشکیل دولت مستقل کرد فراهم آورد. این سناریو اگرچه حاوی بیشترین نتایج برای نیروهای سیاسی کرد در شمال عراق است و در واقع؛ اهداف، آرمان و آرزوهای دیرینه کردها را در بردارد، اما احتمال وقوع آن در شرایط فعلی کم است، زیرا آمریکا به ثبات منطقه و تأمین امنیت و منافع متحدان استراتژیک و منطقه ای خود مثل ترکیه و کشورهای عربی توجه دارد و از طرف دیگر جامعه داخلی عراق نیز آمادگی اجرای این سناریو را ندارد. از نگاه دیگر این سناریو بیشترین تبعات منفی امنیتی را نیز برای ایران در بر دارد. در این گزینه نیروهای سیاسی کرد در اثر استفاده از حداکثر نفوذ غرب و ایالات متحده در برقراری یک نظام مستقل- که آینده این حکومت کردی نیز در گرو حمایت آنها خواهد بود- بیشترین وابستگی را به غرب به ویژه ایالات متحده خواهد داشت و اولویت های سیاسی آن نسبت به ایران بر اساس دیدگاه های غرب صورت می گیرد. در این گزینه احتمال دستکاری سیاسی در امنیت ایران به حداکثر می رسد و الگوهای سیاسی حاوی تهدیدهای امنیتی پس از استقرار دولت جدید مطرح شده و امنیت ملی ایران را به چالش خواهد کشید. به طور خلاصه، با توجه به این که احتمال وقوع این سناریو در شرایط فعلی کم است، اما به میزان بسیار زیادی

خواسته های کردها را تأمین می کند و میزان تهدید آن علیه منافع ایران نیز بسیار زیاد است. (۲۲)

۳) نگرانی بعدی ایران که به تبع دو نگرانی قبلی شکل می گیرد، در مورد ایده شکل گیری «کردستان بزرگ» است. در این زمینه، باید گفت وقتی که در بهار سال ۱۳۷۹، حزب دموکرات کردستان عراق اساسنامه جدید خود را تنظیم و تصویب نمود، در اولین صفحه آن به مسأله کردستان بزرگ اشاره نمود و دومین شخصیت این حزب نیز در یک نشست تخصصی سخن از ملت کرد و استقلال کردستان به میان آورد. (۲۳) بر این اساس، شکل گیری کردستان فدرال در شمال عراق و توسعه آن با کمک های خارجی در کنار اساسنامه های کردی مبنی بر تشکیل کردستان بزرگ، به تدریج می تواند بر ذهن کردهایی که به صورت اقلیت در کشورهای دیگر زندگی می کنند، تأثیر بگذارد. این کردستان از حمایت مالی و معنوی مدیریت خارجی برخوردار است. در نتیجه، آنها مستطهر به حمایت های خارجی به دخالت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در کشورهای همسایه می پردازند. از یک طرف به انحای مختلف سعی در هویت سازی در میان کردهای ایران دارند و از طرف دیگر، ایدئولوژی برخاسته از ناسیونالیسم کردی، این توانایی را در اختیار مخالفان قرار می دهد تا وضعیت آنها را نسبت به آینده توجیه نماید و حکومت اقلیم کردستان را به عنوان یک الگوی الهام بخش برای دیگر کشورهای دارای اقلیت کرد و از جمله ایران معرفی نماید که این مسأله می تواند یکپارچگی و انسجام کشور را تحت تأثیر قرار دهد و بر دامنه تعارضات اجتماعی افزوده و مخالفان داخلی را با عوامل خارجی مرتبط کند و در نهایت می تواند به ایجاد خلل در مشروعیت^۲ منجر گردیده و به تبع آن باعث تضعیف قدرت، امنیت و منافع ملی گردد. (۲۴)

۴) نگرانی بعدی ایران مربوط به گرایش رهبران سیاسی حکومت محلی کردستان عراق در خصوص تحمل پایگاه گروه های کرد اپوزیسیون ایران در داخل این اقلیم است. به همین جهت، جمهوری اسلامی ایران پیوسته به محدود کردن فعالیت های اپوزیسیون مسلح کرد ایرانی در شمال عراق پرداخته است. در این راستا، با اعمال سیاست تعامل و همکاری با گروه ها و احزاب کرد عراق، توافق هایی برای محدود کردن گروه های اپوزیسیون صورت گرفته است که از جمله آنها می توان به توافق با طالبانی در

¹ - The Great Kurdistan

² - Legitimacy

سال ۲۰۰۵ اشاره کرد که در نتیجه آن فعالیت رادیویی حزب دموکرات کردستان ایران که از سلیمانیه علیه ایران برنامه پخش می کرد، متوقف شد. (۲۵) در مواردی حتی نیروهای نظامی سپاه پاسداران در داخل خاک عراق به عملیات نظامی علیه گروه های معارض دست زده است که از جمله موارد آن می توان به عملیات سال ۱۳۷۵ اشاره کرد. (۲۶)

۵) نگرانی دیگر جمهوری اسلامی ایران مربوط به سلطه امنیتی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای بر عراق و تحمیل خواسته های خود به این کشور است که این خواسته ها می تواند اوضاع امنیتی ایران را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار داده و فدرالیسم عراق را در جهت دلخواه هدایت کند. بر این اساس، قانون اساسی عراق با اختیاراتی که به مناطق فدرال داده است باعث شده است که حکومت مرکزی اقتدار فراوانی نداشته باشد. در نتیجه، آنها آزادانه با دیگر کشورها ارتباط می گیرند و حکومت مرکزی به طور مؤثر نمی تواند پاسخگوی رفتار آنها با دولت های همسایه باشد. (۲۷) با موفقیت فدرالیسم در عراق، توان چانه زنی آمریکا در مقابل سایر بازیگران منطقه ای به خصوص ایران که به عنوان بازیگر منطقه ای مخالف آمریکا مطرح است، افزایش می یابد و از طرفی دیگر، امکان عرضه پایگاه هایی به ارتش آمریکا توسط دولت خودمختار کرد در شمال عراق نگرانی ها را بیشتر می کند. (۲۸)

البته از حضور اسرائیل به طرق مختلف در کردستان عراق نباید غافل شد. اگرچه مقامات عراق و کردستان عراق حضور اسرائیل را تکذیب می کنند، اما برخی از مقامات این رژیم معتقدند همان گونه که ایران در جنوب لبنان یعنی در مجاورت اسرائیل حضور دارد، اسرائیل نیز حق دارد در مجاورت مرزهای ایران، یعنی کردستان عراق، حضور داشته باشد. (۲۹) همان طور که بعداً توضیح خواهیم داد حضور اسرائیل در کردستان عراق را می توان در چارچوب دکترین «محورهای پیرامون بن گوریون» تحلیل کرد که بر اساس آن، اسرائیل اتحاد با کشورهای غیر عرب پیرامون را در دستور کار خود قرار می داد. طرح B- که مبنی بر کمک بیشتر به کردها بود و قبلاً توسط شارون طرح گردیده است- و طرح های دیگر در این زمینه ها همه نشان دهنده این واقعیت است که جمهوری اسلامی ایران نباید از ناحیه مرزهای غربی احساس امنیت نماید. (۳۰) بنابراین، وجود این طرح ها و حضور گسترده اسرائیل در کردستان عراق، حقانیت دغدغه تصمیم گیرندگان امر را به این مهم آشکارتر می سازد.

۶) نگرانی دیگر ایران در مورد فدرالیسم عراق، مربوط به رشد ناسیونالیسم عربی است. در این مورد

اگرچه تشکیل اقلیم مستقل شیعه فرصت هایی را از نظر جهانی و منطقه ای برای ایران فراهم می کند، اما با توجه به تحرکات ضد امنیتی اسرائیل و آمریکا علیه ایران و استفاده از فضای فدرالی عراق برای این ناامنی سازی، اگر فدرالیسم عراق طبق میل اسرائیل و آمریکا، دارای دگردیسی به سوی بحران از اجتماعی شدن تا تهدید بر ضد جمهوری اسلامی ایران باشد، در نتیجه دامنه این تهدید محدود به محیط کردستان در غرب نخواهد شد، بلکه مناطق عرب نشین جنوب و جنوب غرب را نیز در بر خواهد گرفت و ارزش های حیاتی را به مخاطره خواهد انداخت. بنابراین، اختیاراتی که فدرالیسم به شیعیان واگذار می کند، اگر آمیخته با ناسیونالیسم عربی^۱ شود و به ارتقای جایگاه شیعیان در جامعه عراق منجر گردد، مرزهای جنوب و جنوب غرب ایران نیز ناامن می گردند. (۳۱) به دیگر سخن، تأثیر فدرالیسم عراق را نباید تنها به مناطق کردنشین محدود کرد، بلکه در صورت ارتباط اعراب جنوب با قومیت عرب فرامرزی و ایجاد سمپاتی بین آنها، این مسأله مناطق عرب نشین را نیز در بر می گیرد.

در ارتباط با تأثیرات فدرالیسم عراق بر ایران باید گفت که این تأثیرات صرفاً به تهدیدات و نگرانی ها محدود نمی شوند، بلکه فرصت هایی را برای ایران نیز ایجاد می کند، زیرا با توجه به این که شیعیان اکثر جمعیت عراق را تشکیل می دهند، این مسأله می تواند با شکل دادن به ژئوپلیتیک جدید شیعه در منطقه عراق، قدرت مانور و نفوذ ایران را در منطقه افزایش دهد. این مسأله باعث شده است که حتی ترکیه و سوریه که دارای نگرانی های مشابه به ایران در عراق هستند، از نفوذ ایران نگران باشند. البته در قبال حل مسأله کردها، ایران با همه کشورهای دارای اقلیت کرد دیدگاه های مشترکی در این زمینه دارد. ایران و سوریه دارای همکاری و اشتراک نظر درباره مسأله کردها هستند و رویه واحدی در مورد تحولات عراق اتخاذ کرده اند و اجلاس های بین ایران، ترکیه و سوریه؛ مبنی بر حفظ تمامیت ارضی عراق و در معنای مخالفت با استقلال مناطق شمالی و تشکیل دولت مستقل کرد بود، (۳۲) اما ایران در قبال مسأله کردها ضمن همکاری با ترکیه، رقابت نیز دارد. در این مورد ضمن وجود پاره ای از رقابت ها و چالش های موازنه گرایانه در مورد پ. ک. ک و شمال عراق در هر دو مورد، دو کشور باب همکاری را باز کردند. در ارتباط با خود عراق نیز، ایران با تقویت کردهای عراق و همکاری غیر رسمی با حکومت اقلیم کردستان موازنه با این کشور را به نفع خود تغییر داد. (۳۳)

^۱ - Arabic Nationalism

به طور خلاصه، باید گفت که شکل گیری فدرالیسم در عراق هم برای ایران فرصت ایجاد می کند و هم تهدیداتی در بر دارد. از یک طرف، به قدرت رسیدن شیعیان با افزایش قدرت و مانور ایران در عراق و منطقه همراه است و برای ایران فرصت هایی را در مواجهه با قدرت های منطقه ای و فرا منطقه ای ایجاد می کند و از طرف دیگر نمی توان نگران تهدیدات فدرالیسم و همچنین تهدیدات و اقدامات بر هم زنده ای برای تجزیه عراق نبود. ضمن این که عدم ثبات و ناامنی در عراق بیشتر به ضرر ایران است، زیرا این ناامنی ها بیشتر در مناطق شیعه و سنی نشین روی می دهد تا در مناطق کردنشین همسایه ترکیه.

ب. ترکیه

با توجه به این که ۴۳ درصد از مساحت و ۵۲ درصد از جمعیت کردهایی که به صورت اقلیت در کشورهای مختلف زندگی می کنند، متعلق به کشور ترکیه است، (۳۴) بنابراین طبیعی است که نگرانی ترکیه در مورد برهم خوردن یکپارچگی و وحدت عراق و هر طرحی که عراق را به سمت تجزیه بکشاند، بیش از سایر کشورهایی است که دارای اقلیت های کرد هستند. از طرف دیگر، در داخل مرزهای ترکیه و در سرزمین های کردنشین این کشور، شورشیان کردی وجود دارند که نگرانی های ترکیه را بیشتر کرده است. از نظر استراتژیکی می توان نگرانی ترکیه در مورد طرح های تجزیه طلبانه کردهای عراق را به موارد زیر تقسیم نمود:

(۱) ترکیه از این بیم دارد که یک نظام حکومتی فدرال در عراق به کردها این حق را بدهد تا دولت محلی خود را در درون عراق داشته باشند و منابع نفتی کرکوک را کنترل کنند که این مسأله باعث می شود که کردهای عراقی در صدد تشکیل دولت مستقل برآیند و به دنبال آن کردهای ساکن در ترکیه را نیز به این اقدام ترغیب نمایند. عبدالله گل، وزیر خارجه سابق ترکیه و رئیس جمهور کنونی تهدید کرد در صورتی که کرکوک به پایتخت منطقه کردستان تبدیل شود، ترکیه با مداخله نظامی مانع از این کار خواهد شد. (۳۵) به همین جهت ترکیه تاکنون از پذیرش فدرالی شدن عراق خودداری کرده است. به خصوص اقدامات سال های اخیر مسعود بارزانی، از نظر ترکیه تلاش برای تشکیل دولت مستقل کرد است و به همین دلیل ترکیه تا کنون از به رسمیت شناختن هویت سیاسی اقلیم کردستان خودداری

کرده است. (۳۶)

۲) رسمیت یافتن زبان کردی، افزایش مدارس کردی، تأسیس کانال‌ها و شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان کردی، فراهم آوردن تسهیلات ورزشی، کسب ۱۳ درصد از درآمدهای نفتی، چاپ و انتشار پول مستقل به نام دینار سوئیس، استقرار نظام مالیات منطقه‌ای، احداث کارخانه‌ها، پالایشگاه‌ها، جاده‌ها، بزرگراه‌ها، احداث هتل‌های درجه یک، برگزاری انتخابات پارلمانی و کاهش اختلاف میان جبهه میهنی و حزب دموکرات کردستان عراق، (۳۷) همگی سبب شده است که کردها به نحو چشمگیری وضعیت خود را بهبود ببخشند. این مسأله زنگ خطر را برای ترکیه به صدا درآورده است، چرا که بهبود وضعیت کردهای عراق باعث ایجاد مطالبات جدیدی میان کردهای ترکیه شده است که حتی وجود آنها انکار می‌شود و به مطالبات هویتی آنها نیز پاسخ داده نمی‌شود.

۳) وحشت دیگر ترکیه آن است که حرکت کردهای عراق در راستای خودمختاری، فدرالیسم و یا تشکیل دولت مستقل کرد، زمینه را برای ایجاد کردستان بزرگتری فراهم آورد که بخش عظیمی از مساحت و جمعیت آن در کشور ترکیه قرار دارد. بنابراین، دولت ترکیه به منظور تداوم کنترل بر قلمرو کردی خویش خواهان مهار هرگونه حرکت ناسیونالیستی در شمال عراق و در ترکیه است. (۳۸)

۴) نگرانی دیگر ترکیه در مورد سیاست استراتژیک آمریکا و اسرائیل در منطقه است. در این زمینه طرح بحث‌هایی در محافل سیاسی واشنگتن در مورد تقسیم عراق توجه کشورهای منطقه و به خصوص ترکیه را به تقویت احتمال تشکیل دولت مستقل کرد جلب کرده است. همین مسأله باعث شده است که ترکیه با تردید زیاد نسبت به سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در منطقه نگاه کند و آن را به منزله اقدامی در جهت فشار بر کشورهای دارای اقلیت کرد بنگرد. (۳۹) البته منافع اسرائیل در مورد فدرالیسم و همچنین شکل‌گیری دولت مستقل کرد جنبه‌های دیگری هم دارد که در قسمت دیدگاه‌های اسرائیل بررسی و تحلیل خواهد شد.

۵) نگرانی دیگر ترکیه مربوط به تهدید استقلال و تمامیت ارضی عراق است. البته در این مورد نگاه ترکیه با تناقض و پارادوکس همراه است، چرا که از یک طرف ترکیه خواهان یک دولت یکپارچه و قدرتمند در عراق است که بتواند در مقابل تمایلات استقلال طلبانه و واگرایانه کردها، دارای قدرت برخورد و تحرک باشد و از طرفی دیگر، در پی استقرار دولت ضعیفی در بغداد است که در برابر تجاوزات

و مداخلات ترکیه در شمال عراق قدرت مانور و برخورد نداشته باشد. (۴۰) همچنین ترکیه نمی خواهد این دولت آن قدر قدرتمند باشد که تبدیل به تهدیدی برای همسایگان خود شود.

۶) نگرانی دیگر ترکیه در مورد شکل گیری فدرالیسم این است که با توجه به این که شیعیان اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می دهند، جنوب عراق به پایگاه قدرتمندی برای ایران تبدیل شود و قدرت مانور ایران در عراق را افزایش دهد.

بنابراین، ترکیه با توجه به کثرت جمعیت کرد در چارچوب سرزمینی خود، یعنی نزدیک به هجده میلیون در چهارده استان عمدتاً کرد، (۴۱) همواره در مسیر استقلال و یا موفقیت فدرالیسم در کردستان ممانعت ایجاد خواهد کرد و در این زمینه حذف پ. ک. ک و حمایت از ترکمن های عراق را بهترین بهانه برای اجرای استراتژی خود در منطقه می داند.

۴. مواضع و واکنش های اسرائیل نسبت به فدرالیسم در عراق

اسرائیل نه کشوری عربی است، نه دارای اقلیت کرد است، اما به جهت منافع و اهدافی که در خصوص فدرالیسم در عراق به خصوص در شمال عراق یعنی منطقه اقلیم کردستان دارد، لازم است که به دیدگاه های آن پرداخته شود.

می توان گفت که از میان کشورهای منطقه تنها اسرائیل دیدگاه مثبتی نسبت به شکل گیری فدرالیسم در عراق دارد. البته بهترین سناریو برای اسرائیل در مورد عراق، مثل خود کردهای عراق، تجزیه این کشور و شکل گیری یک «دولت مستقل کرد» است، اما با توجه به واقعیات موجود و مخالفت کشورهای منطقه، در حال حاضر از شکل گیری نظام فدراتیو در عراق حمایت می کند.

موافقت اسرائیل با تشکیل یک دولت کردی را می توان در چارچوب دکترین «محورهای پیرامونی بن گوریون» تحلیل نمود. بر اساس این دکترین، اسرائیل برای افزایش حاشیه امنیت خود، طرح اتحاد با کشورهای غیر عرب پیرامون خود یعنی ایران، ترکیه و اتیوپی را طراحی کرد و به اقلیت های نهفته در کشورهای عربی مثل مسیحیان و دروزی ها در لبنان و کردها در سوریه و عراق توجه کرد. از نگاه اسرائیل، در صورت استقلال کردستان عراق، آنها یک متحد خوب در منطقه به دست می آورند و از این طریق حاشیه امنیت اسرائیل تقویت می گردد. (۴۲)

در حال حاضر حضور اسرائیل در شمال عراق و کمک آنها به کردهای جدایی طلب بر نگرانی کشورهای منطقه چه کشورهای عربی و چه کشورهای غیر عرب که دارای اقلیت کرد هستند - و به خصوص ترکیه - افزوده است. زیرا ترکیه دارای بیشترین جمعیت کردها در داخل سرزمین خود می باشد. بر این اساس، شالوده «طرح B» که به وسیله شارون مطرح گردید، کمک بیشتر به کردها بود. این طرح که در زمان افزایش تنش ها میان اسرائیل و ترکیه مطرح شد دارای مواردی مثل جمع آوری اطلاعات، برگزاری ملاقات های مستمر و ایجاد هماهنگی با رهبران کرد بود. (۴۳)

بنابراین، فدرالی شدن و استقلال کردستان در راهبردهای سیاسی اسرائیل در منطقه استراتژیک خاورمیانه جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است، زیرا به لحاظ سیاسی علاوه بر این که موقعیت سیاسی اسرائیل را در منطقه تثبیت می کند، به طور بالقوه می تواند به عنوان عامل مشروعیت بخش جایگاه آنها نیز منجر گردد. از طرف دیگر، اسرائیل از این مسأله به عنوان اهرم فشار علیه کشورهای چپون ترکیه، ایران و سوریه عمل می نماید و با بهره گیری از فضای بحران ناشی از «خودمختاری اقلیت کرد» این کشورها را با چالش های قومیتی مواجه می سازد تا خطرات گرایش های ضد اسرائیلی را در این کشورهای خصوصاً جمهوری اسلامی ایران تحدید کند و ثانیاً این که منطقه را با بحران و ناامنی مواجه سازد و فضای مناسب را برای پیگیری اهداف خود فراهم نماید و از آنجایی که آنها از مدت ها قبل چشم طمع به خاورمیانه داشته اند و برای اجرای طرح های توسعه طلبانه خود، پروژه های بلند مدتی چون «خاورمیانه جدید»^۱ و «خاورمیانه بزرگ»^۲ را با همراهی متحدین غربی دنبال کرده اند، سعی دارند با حمایت از نظام فدرالیسم در عراق و به ویژه در منطقه کردستان این کشور، نقشه سیاسی جدیدی برای خاورمیانه ترسیم نمایند به گونه ای که در این فضای جدید اهداف سیاسی و اقتصادی سران اسرائیل به بهترین وجه ممکن محقق گردد. (۴۴)

به عبارتی دیگر، سقوط یکی از رهبران برجسته پان عربیست و مطرح شدن طرح کلان خاورمیانه ای آمریکا و به قدرت رسیدن یک رئیس جمهور کرد، ضربات بزرگی بر ایده پان عربیسم^۳ وارد آورده

¹ - The New Middle East

² - The Greater Middle East

³ - Pan Arabism

است. امروزه جهان عرب تحت تأثیر تحولات جنگ عراق انسجام خود را از دست داده است و اغلب کشورهای منطقه به فکر دستیابی به منافع ملی خود بدون اتکا به سازمانهایی مثل اتحادیه عرب و شورای همکاری خلیج فارس هستند. از سوی دیگر، سقوط صدام و شکل گیری فدرالیسم در عراق و نبود یک دولت مرکزی قدرتمند در عراق به مفهوم از بین رفتن یکی از تهدیدات اسرائیل در جهان عرب است.

در مجموع، می توان گفت که اسرائیلی ها با حضور در شمال عراق، علاوه بر این که به دنبال تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه از راه کمک به عملیاتی شدن فدرالیسم و حمایت از تشکیل دولت مستقل کرد هستند؛ از یک طرف، به دنبال این هستند که به منافع اقتصادی خود دست یابند و علاوه بر منابع نفتی موصل و کرکوک به بازار گسترده کردستان دست یافته و منافع بنگاه های اقتصادی خود را تأمین نمایند و از طرف دیگر، با ایجاد بحران بین گروه های اسلامی و ایجاد جبهه بندی بین آنها با دو محور گروه های میانه رو و مسالحه جو و گروه های بنیادگرا، آنها را از جهت گیری ضد صهیونیستی به منازعات درونی در جهان اسلام سوق دهند. (۴۵)

نتیجه گیری

در کشورهایی که با چند گونگی های ساختاری از قبیل مذهبی، قومی یا زبانی مواجه هستند، فدرالیسم به عنوان راهی برای حل مشکلات این جوامع در نظر گرفته شده است. با توجه به این که کشور عراق نیز، کشوری چند قومی و چند مذهبی است، هم بر اساس اجلاس های اپوزیسیون صدام و هم بر اساس اعلامیه شورای حکومتی موقت عراق و قانون اساسی موقت و دائم خود، فدرالیسم را به عنوان شکل حکومتی آینده خود انتخاب کرده است، اما از آنجایی که انتخاب فدرالیسم و دموکراسی برای نظام آینده عراق، تبعات زیادی برای سایر کشورهای منطقه داشته و دارد، بنابراین در برابر آن از خود واکنش نشان داده اند. در این بین کشورهای عربی، از یک سو نگران تأثیرات دومینویی دموکراسی در عراق در کشورهای خود هستند و از سوی دیگر، فدرالیسم را باعث تجزیه عراق دانسته و معتقدند که قدرت یابی کردها در چارچوب نظام فدرالیستی، هویت عربی عراق را مخدوش می کند. همچنین با توجه به این که شیعیان اکثریت جمعیت عراق را تشکیل می دهند، معتقد هستند که قدرت گرفتن

شیعیان از یک طرف باعث در حاشیه قرار گرفتن اعراب سنی عراق می شود و از سوی دیگر نفوذ ایران شیعی را در عراق افزایش می دهد.

شکل گیری و تحقق فدرالیسم در عراق با توجه به کثرت جمعیت شیعه این کشور، اگرچه برای جمهوری اسلامی ایران فرصت هایی ایجاد می کند اما در مقابل نگرانی ها و تهدیداتی نیز به دنبال دارد. بر این اساس بهبود وضعیت کردهای عراق در دوران خودمختاری و در چارچوب نظام فدرالیستی کنونی باعث افزایش مطالبات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در بین کردهای ایران می شود و از سوی دیگر، طرح های تجزیه طلبانه در چارچوب تشکیل دولت مستقل کرد و یا کردستان بزرگ و واحد، تأثیرات امنیتی مخرب تری را به دنبال دارد. البته تهدیدات امنیتی وجود اقلیت قومی فرامرزی به منطقه کردستان محدود نمی شود، بلکه در مناطق عرب نشین ایران نیز تهدیداتی ایجاد می شود. همچنین تحمل پایگاه گروه های کرد اپوزیسیون ایران در داخل اقلیم کردستان و سلطه امنیتی قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مثل اسرائیل و آمریکا بر عراق و تحمیل خواسته های ایشان به این کشور می تواند اوضاع امنیتی ایران را تحت تأثیر و نفوذ خود قرار دهد. کشور ترکیه نیز از برخی جهات نگرانی هایی شبیه ایران دارد، اما در برخی جهات در تضاد با ایران قرار دارد. بر این اساس، بهبود وضعیت کردها در عراق زنگ خطر را برای ترکیه که اساسی ترین حقوق و آزادی های کردها را نادیده می گیرد، به صدا درآورده است. از طرف دیگر، نگرانی ترکیه از احتمال تشکیل دولت مستقل کرد بیش از ایران است، زیرا قسمت اعظم جمعیت و مساحت کردها در چارچوب کشور ترکیه قرار دارد. همچنین در مورد سیاست های آمریکا و اسرائیل در منطقه و تهدید استقلال و تمامیت ارضی عراق نیز نگران هستند. البته در مورد افزایش قدرت ایران در جنوب عراق نیز نگران است و در این راستا با آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی هم نوا است.

سرانجام، در مورد اسرائیل نیز می توان گفت که تنها این کشور از فدرالیسم و یا طرح های جایگزین آن در عراق حمایت می کند. بر این اساس، فدرالی شدن و استقلال کردستان عراق، علاوه بر تثبیت موقعیت سیاسی اسرائیلی ها و مشروعیت بخشی به جایگاه آنها، اهرم فشاری را علیه ایران، ترکیه و سوریه ایجاد می کند. البته از دستیابی اسرائیل به منافع اقتصادی یعنی منابع نفتی شمال عراق و دستیابی به بازار کردستان عراق نیز نباید غافل بود.

◇ بررسی فدرالیسم در عراق از لحاظ سطح تحلیل منطقه ای

در مجموع، می توان گفت که کشورهای منطقه به جز اسرائیل، با تحقق فدرالیسم در عراق مخالف هستند و نگران تبعات منفی امنیتی آن بر کشورهای خود هستند. بنابراین، با آن مخالف هستند و نسبت به آن دیدگاه منفی دارند.

Archive of SID

منابع

- 1- John Kincaid, *Hand Book of Federal Countries, A Project of Federation*, Ed. by Ann L. Griffith, (New York: McGill Queens University Press, 2002), p. 223.
- 2- Murray Forsyth, (1989). *Federalism and Nationalism*, (Leicester: Leicester University Press, 1998), p. 135.
- 3- Graham Smith, *Federalism: The Multiethnic Challenge* (London: Longman, 1995), pp. 203-205.
- ۴- محمدرضا خوبروی پاک، *نقدی بر فدرالیسم* (تهران: مؤسسه نشر پژوهش شیرازه، ۱۳۷۷)، ص ۲۸.
- ۵- حسین پوراحمدی، «حضور و اهداف امریکا در خاورمیانه و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی*، شماره ۱۵، پاییز ۱۳۸۷، ص ۵۲.
- ۶- اصغر جعفری ولدانی، «مواضع و عملکرد کشورهای عربی نسبت به تحولات عراق»، در: *عراق پس از سقوط بغداد* (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۴)، صص ۳۲-۳۱.
- ۷- همان، ص ۳۲.
- ۸- همان، صص ۹۴-۹۳.
- ۹- «استقبال کردها و شیعیان از انتخابات عراق»، *روزنامه شرق*، ۸ بهمن ۱۳۸۳، قابل دسترسی در: <http://www.ghajar-ir/daily/archives/1383/11/post-25.html>.
- ۱۰- ولی نصر، «پیامدهای منطقه ای ناشی از احیای شیعی در عراق»، در: امیر محمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد، *سامان سیاسی در عراق جدید* (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۷)، صص ۲۴۴-۲۴۵.
- ۱۱- همان، ص ۲۴۵.
- ۱۲- جعفری ولدانی، *پیشین*، ص ۵۲.

- ۱۳- اصغر جعفری ولدانی، *چالش ها و منازعات در خاورمیانه* (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸)، ص ۹۶.
- ۱۴- جعفر حق پناه، *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۷)، ص ۹۴.
- ۱۵- *روزنامه اطلاعات*، ۲۹ مرداد ۱۳۹۰، ص ۸.
- ۱۶- حق پناه، *پیشین*، صص ۹۳-۹۴.
- ۱۷- اصغر جعفری ولدانی، *پیشین، چالش ها و منازعات در خاورمیانه*، ص ۹۷.
- ۱۸- «بشار اسد: نباید در عراق نظام فدرالیسم شکل بگیرد»، *روزنامه آرمان*، ۲۸ تیر ۱۳۸۹، قابل دسترسی در:
- <http://www.armandaily.ir/index.php?Option=com-content&View=article&id=17359>.
- ۱۹- کامیل کریمیان، «تحولات شمال عراق و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *گزارش پژوهشی* (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱)، صص ۳۰ - ۲۹.
- ۲۰- مجتبی مقصودی، «کردستان عراق؛ چشم انداز آینده»، در: حسین دهشیار و دیگران (گردآوردگان)، *مسایل ایران و عراق* (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲)، صص ۸۸-۸۶.
- ۲۱- حبیب ا... ابوالحسن شیرازی و فرامرز امجدیان، «تأثیر فدرالیسم عراق بر هنجارهای سیاسی و قومیتی کردهای ایران»، *فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی*، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۷، صص ۱۴۳-۱۴۵.
- ۲۲- کریمیان، *پیشین*، صص ۴۶-۴۷.
- ۲۳- داوود کرمانی، «تأثیر فدرالیسم عراق بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه روز*، سال ششم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۸۶، ص ۱۳۸.
- ۲۴- زهرا احمدی پور، ابراهیم رومینا و داود کرمانی، «تأثیر حکومت اقلیم شمال عراق بر کردستان

- ایران»، *فصلنامه آفاق امنیت*، پیش شماره های دوم و سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۶، صص ۱۴۲-۱۳۸.
- ۲۵- حق پناه، *پیشین*، ص ۱۸۹.
- ۲۶- همان، صص ۱۹۰-۱۸۹.
- ۲۷- کرمانی، *پیشین*، ص ۸۶.
- ۲۸- هادی الیس، «خواسته کردها برای تشکیل دولت و آینده عراق»، در: امیر محمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد (گردآوردندگان)، *سامان سیاسی در عراق جدید* (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۷)، ص ۲۱۷.
- ۲۹- عرفان قانعی فرد، «تحلیل تاریخی ایجاد پایگاه اسرائیل در کردستان عراق»، قابل دسترسی در: <http://www.kurdistantoday.ir/members/printable.aspx>.
- ۳۰- کرمانی، *پیشین*، ص ۱۴۸.
- ۳۱- همان، صص ۱۵۲-۱۴۹.
- ۳۲- حق پناه، *پیشین*، صص ۱۶۶-۱۶۵.
- ۳۳- همان، صص ۱۸۱-۱۶۶.
- ۳۴- الیس، *پیشین*، ص ۲۰۵.
- ۳۵- داوین برنکاتی، «آیا فدرالیسم به سامان سیاسی در عراق می انجامد؟»، در: امیر محمد حاجی یوسفی و احمد سلطانی نژاد (گردآوردندگان)، *سامان سیاسی در عراق جدید* (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ دوم، ۱۳۸۷)، ص ۱۲۹.
- ۳۶- سیامک کاکایی، «عراق فدرال؛ فرصت ها و چالش ها»، *فصلنامه مطالعات منطقه ای؛ جهان اسلام*، سال نهم، شماره های ۳۳ و ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۲۴.
- ۳۷- مجتبی مقصودی، «نقش گروه های قومی در شکل دهی به نظام سیاسی عراق، با تأکید بر نقش کردها»، در: *عراق پس از سقوط بغداد*، (تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۸۴)، ص ۱۳۲.
- ۳۸- الیس، *پیشین*، ص ۲۱۵.
- ۳۹- کاکایی، *پیشین*، ص ۴۳.

◇ بررسی فدرالیسم در عراق از لحاظ سطح تحلیل منطقه ای

۴۰- مجتبی مقصودی، «کردستان عراق؛ چشم انداز آینده»، در: حسین دهشیار و دیگران (گردآورندگان)، *مسایل ایران و عراق* (تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۲)، ص ۶۱

۴۱- کاکایی، پیشین، صص ۲۸ - ۲۷.

۴۲- قانعی فرد، پیشین.

۴۳- مصطفی نظری، «راهبرد صهیونیسم در کردستان عراق»، ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۸، دسترسی در:

<http://www.awraman.com/?p:747>.

۴۴- همان.

۴۵- همان.